

یک ارزیابی درونی از کیفیت خروجی نظام آموزش جامعه‌شناسی در ایران^۱

محمد فاضلی،* سجاد فتاحی،** معصومه اشتیاقی،*** نسترن زنجان رفیعی****

(تاریخ دریافت ۹۴/۰۸/۰۴، تاریخ پذیرش ۹۵/۰۳/۰۵)

چکیده: مهم‌ترین و روشن‌ترین وظیفه نظام‌های دانشگاهی، آموزش و به‌طور عام انتقال دانش موجود در حوزه‌های گوناگون به افرادی است که به منزله دانشجو وارد آن نظام‌ها شده و مدت زمان مشخصی را در آن‌ها سپری می‌نمایند. از این‌رو شاید بتوان مهم‌ترین شاخص برای ارزیابی کارآمدی و کیفیت یک نظام آموزشی را میزان توانایی و سطح کیفی فارغ‌التحصیلان دانست. این مقاله شاخص‌هایی نظیر «توانایی و انگیزه علمی دانشجویان» و «کیفیت پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری» را به منزله شاخص‌هایی برای قضاوت درباره نحوه عملکرد نظام آموزش جامعه‌شناسی در ایران در نظر گرفته و تلاش می‌کند گزارشی درباره نحوه عملکرد این نظام از منظری درونی و از دیدگاه دانشجویان، فارغ‌التحصیلان و اساتید جامعه‌شناسی ارائه نماید. برای سنجش هر یک از این شاخص‌ها نیز از روش‌های کمی و کیفی نظیر مطالعه اسنادی، پرسش‌نامه و مصاحبه استفاده شده است. اطلاعات کمی با ارسال پرسش‌نامه برای آن

۱. داده‌های این مقاله برگرفته شده از پژوهشی با عنوان «ممیزی رشته جامعه‌شناسی در ایران» می‌باشد که به سفارش کمیته ممیزی علوم انسانی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، و با همکاری انجمن جامعه‌شناسی ایران انجام شده است. در این پژوهش بخشی از اساتید و دانشجویان جامعه‌شناسی ایران با قبول زحمت پاسخ‌گویی به پرسش‌نامه‌ها و شرکت در مصاحبه‌ها همکاری داشته‌اند که به دلیل کثرت اسامی امکان ذکر نام آن‌ها ممکن نیست اما بدین وسیله از تک تک آن‌ها سپاسگزاری می‌شود.

mo_fazeli@sbu.ac.ir

*. عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)

**. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه مازندران

***. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه مازندران

****. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

دسته از اعضای انجمن جامعه‌شناسی ایران که نشانی پست الکترونیک آن‌ها در اختیار انجمن بوده به دست آمده است. مصاحبه با ۳۷ نفر از اساتید، دانشجویان و پژوهشگران جامعه‌شناسی نیز مکمل داده‌های کمی است. نتایج حاصل نشان‌دهنده آن است که از منظر کنش‌گران درون این نظام آموزشی، آموزش جامعه‌شناسی در ایران اگرچه در بیشتر سالیان گذشته از نظر کمی وضعیت روبه‌رشدی را شاهد بوده است اما از نظر کیفی از وضعیت مناسبی برخوردار نیست که همین امر شناسایی علل درون و برون نظامی موثر بر پاسخ نه چندان مناسب این خرده نظام آموزشی را ضروری می‌نماید که خود موضوع مقالات دیگری است.

مفاهیم کلیدی: آموزش جامعه‌شناسی، ارزیابی آموزش عالی، ارزیابی دانشگاه، جامعه‌شناسی، پایان‌نامه‌های جامعه‌شناسی.

مقدمه

ارزیابی کیفیت پاسخ‌گویی سازمان‌ها، مؤسسات و در یک کلام نظام‌های اجتماعی به هدف یا اهدافی که برای پاسخ‌گویی به آن‌ها طراحی شده‌اند مهم و حیاتی است. نخست آن‌که ارزیابی کیفیت پاسخ و خروجی آن‌ها به کنشگرانی که به نوعی با آن‌ها در ارتباط هستند کمک می‌کند که قضاوتی درباره نحوه عملکرد این سازمان‌ها، فاصله آن‌ها با سایر سازمان‌ها و نظام‌های اجتماعی مشابه، فاصله آن‌ها با نقطه مطلوب و میزان بهینه بودن آن‌ها با توجه به هزینه‌هایی که برای آن‌ها صرف می‌شود داشته باشند. دوم، اخذ بازخوردهای دوره‌ای کمی و کیفی دقیق از خروجی این سازمان‌ها، در کنار شناسایی علل مؤثر بر سطح و کیفیت خروجی‌ها، علاوه بر فراهم نمود امکان انجام قضاوتی دقیق‌تر درباره میزان ثمربخشی تغییرات و اصلاحات انجام شده در آن‌ها، سبب می‌شود که پیش از تبدیل شدن نقاط ضعف به بحران‌هایی بزرگ و غیر قابل کنترل نسبت به شناسایی و رفع آنها اقدام گردد. این امر در سازمان‌های دولتی از اهمیتی دوچندان برخوردار است چرا که در سازمان‌ها و مؤسسات خصوصی ذی‌نفعان به حکم منفعت اقتصادی خود به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه اقداماتی را در این زمینه انجام می‌دهند، اما عدم توجه به این امر در سازمان‌های دولتی می‌تواند بدون آن‌که تغییر و اصلاحی در وضعیت آن‌ها صورت پذیرد سال‌ها به تولید خروجی‌هایی غیربهینه و با سطح کیفی نازل و اتلاف منابع ملی منجر شده و در مراحل بعدی به ایجاد ناپایداری‌هایی وسیع در کل جامعه منتهی گردد.

نظام‌های آموزشی از جمله مهم‌ترین نظام‌های موجود در جوامع هستند که وظیفه مهم تأمین منابع انسانی برای جوامع و کشورها را بر عهده دارند و از این رو ارزیابی نحوه عملکرد آن‌ها از اهمیت فراوانی برخوردار است. وجه مشترک تمامی نظام‌های دانشگاهی در جهان - با در نظر داشتن تقسیم‌بندی‌های گوناگون انجام شده (ر.ک به فراستخواه، ۱۳۸۷) - آن است که برای انتقال و

آموزش دانش موجود در حوزه‌های مختلف طراحی شده‌اند که البته نوع طراحی درونی هر یک، الگوریتم‌های دستوری موجود در آن‌ها، مناسک و هنجارهای حاکم و رابطه آن‌ها با سایر نظام‌های اجتماعی از قبیل نظام سیاسی در میزان موفقیت و کارآمدی آن‌ها در پاسخ‌گویی بهینه به هدف مشترک آموزش و انتقال دانش به دانش‌آموزان و دانشجویان تأثیرگذار است.

بخش قابل توجهی از نظام‌های آموزشی در ایران علاوه بر آن که وظیفه آموزش نیروی انسانی مورد نیاز کشور را بر عهده دارند، بواسطه دولتی بودن مصرف‌کننده بخش قابل توجهی از منابع ملی نیز هستند که عدم ارزیابی خروجی‌های آن‌ها می‌تواند منجر به اتلاف بخش قابل توجهی از منابع ملی شود.

نظام‌های دانشگاهی در ایران که از بدو تأسیس با توجه به نوع طراحی، چه از نظر سازمانی و چه از نظر تأمین منابع مالی مورد نیاز خود به بخش دولتی و حکومتی وابسته بوده‌اند و حتی در سالیان پس از انقلاب به میزان زیادی بر سیطره دولت بر آن‌ها و میزان وابستگی‌شان به دولت افزوده شده است (ر.ک به فراستخواه، ۱۳۸۷) یکی از مهم‌ترین خرده‌نظام‌های آموزشی هستند که کیفیت خروجی‌های آن‌ها باید بررسی شود. اما عموماً در بررسی این نظام‌ها به شاخص‌هایی کمی توجه شده بدون آن که سطح کیفی خروجی‌های آن‌ها مورد توجه چندانی قرار گیرد. نظام‌های دانشگاهی در تمامی سال‌های پس از انقلاب و به ویژه از اوایل دهه ۷۰ به بعد رشد کمی قابل ملاحظه‌ای را تجربه کرده و در نتیجه بخش قابل ملاحظه‌ای از منابع ملی به آن‌ها اختصاص داده شده است بدون آنکه به وضعیت کیفی خروجی‌های آن‌ها توجه چندانی شود. این عدم توجه موجب شده است که این افزایش ظرفیت در دهه ۸۰ نیز ادامه یافته و از اواخر این دهه و در سال‌های ابتدایی دهه ۹۰ به مقاطع تحصیلات تکمیلی رسیده و در نتیجه بخش بیشتری از منابع ملی به نظام‌های آموزش دانشگاهی اختصاص یافته بدون آن که به کیفیت خروجی‌های آن‌ها توجه شود.

نیم قرن پس از تأسیس مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در سال ۱۳۳۷ توسط غلامحسین صدیقی و احسان نراقی اکنون زمان مناسبی برای انجام ارزیابی‌ای از وضعیت کیفی خروجی‌های نظام آموزش جامعه‌شناسی است. به دو طریق می‌توان کیفیت خروجی نظام‌های دانشگاهی را مورد بررسی قرار داد، نخست از طریق ارزیابی درونی و دیگری از طریق ارزیابی بیرونی (ر.ک به فراستخواه، ۱۳۸۸). این مقاله رویکرد نخست را برگزیده و در صدد است ارزیابی‌ای کلی پیرامون سطح کیفی خروجی‌های نظام آموزش جامعه‌شناسی در ایران از منظر کنشگران اصلی درون این خرده‌نظام یعنی اساتید و دانشجویان جامعه‌شناسی نماید. ارزیابی‌ای که باید درباره سایر خرده‌نظام‌های آموزشی دیگر کشور نیز صورت پذیرد چرا که به نظر می‌رسد نظام آموزشی در ایران علیرغم رشد کمی در زمینه کیفیت، با مسائل و مشکلاتی روبه‌روست که عدم توجه به آن‌ها علاوه بر اتلاف منابع ملی می‌تواند در آینده مسائل و مشکلات گوناگونی را برای کشور ایجاد نماید.

چارچوب مفهومی پژوهش

کیفیت آموزش جامعه‌شناسی در دانشگاه‌های ایران به منزله نظامی که دارای ورودی‌ها، خروجی‌ها و فرایندهایی مشخص است، بر اساس شاخص‌های خروجی این نظام و عمده‌ترین هدفی که برای آن طراحی شده است (آموزش و انتقال دانش جامعه‌شناسی)، از طریق ارزیابی درونی و با استفاده از روش‌شناسی ترکیبی قابل بررسی است.

مهم‌ترین شاخص قضاوت درباره کارآمدی و کیفیت خروجی یک نظام آموزشی میزان توانایی و سطح کیفی فارغ‌التحصیلان آن در زمینه دانشی است که به تحصیل آن پرداخته‌اند. دانشجویان به منزله ورودی نظام آموزشی، با سطح علمی مشخصی وارد این نظام شده و مدت زمان مشخصی را در دانشگاه‌ها سپری نموده و با صرف هزینه‌هایی و پس از کسب توانایی‌هایی از آن‌ها فارغ‌التحصیل می‌شوند. از این رو هر قدر که یک نظام آموزشی بتواند در طی دوره تحصیل دانشجویان با استفاده از روش‌ها و مکانیزم‌های گوناگون توانایی‌های آن‌ها را به میزان بیشتری افزایش دهد می‌توان آن نظام آموزشی را در مقایسه با سایر نظام‌ها موفق‌تر ارزیابی کرد.

دو شاخص سطح توانایی‌ها و انگیزه‌های دانشجویان و کیفیت پایان‌نامه‌های دانشجویی را می‌توان برای سنجش خروجی آموزش جامعه‌شناسی و قضاوت درباره کیفیت و نحوه عملکرد آن در نظر گرفت و به کار برد. البته می‌توان برای سنجش کیفیت خروجی این نظام آموزشی شاخص‌های بیشتری را نیز طراحی و پیشنهاد نمود اما این رویکرد در مراحل اولیه سنجش کیفیت نظام دانشگاهی، جز وارد نمودن ما به مباحثاتی درباره اعتبار این شاخص‌ها و دور افتادن از هدف اصلی که کسب دیدگاهی کلی درباره کیفیت خروجی این نظام‌ها است بهره دیگری نخواهد داشت. به عبارتی اگر پس از ارزیابی‌هایی با شاخص‌هایی کلی مشخص شود که نظام آموزش جامعه‌شناسی در ایران از وضعیت مناسبی برخوردار نیست، طراحی شاخص‌هایی دقیق‌تر و ارزیابی کیفیت این نظام با آن شاخص‌ها تا زمان اصلاح کلیت این ساختار و بهبود نسبی وضعیت کیفی پاسخ آن در ارتباط با این شاخص‌های کلی امری غیرضروری می‌نماید. اگر ملاحظه می‌شود که در کشورهای توسعه‌یافته شاخص‌های ارزیابی کیفیت آموزش عالی از سنجه‌های متعددی تشکیل شده‌اند این از آن روست که این نظام‌ها از مراحل مختلف رشد خود عبور کرده و پیچیدگی در آن‌ها به میزانی رسیده است که جهت بررسی کیفیت آن‌ها به ارزیابی سنجه‌هایی دقیق‌تر نیاز است در حالی که به نظر می‌رسد نظام دانشگاهی در ایران به دلایل گوناگون تا رسیدن به این مرحله و این سطح از پیچیدگی فاصله دارد.

روش‌شناسی پژوهش

برای ارزیابی «سطح توانایی و انگیزه دانشجویان» و «کیفیت پایان‌نامه‌های دانشجویی» که می‌توان آن‌را مهم‌ترین دستاورد علمی دانشجو به ویژه در مقاطع تحصیلات تکمیلی دانست، از منابع زیر استفاده شده است:

- داده‌های اسنادی و ادبیات موجود درباره وضعیت این شاخص‌ها که در بخش مرور ادبیات به آن‌ها پرداخته شده است.
- داده‌های حاصل از پرسش‌نامه‌ای که به همین منظور طراحی و در اختیار طیف وسیعی از کنشگران جامعه‌شناسی ایران قرار گرفته است.
- داده‌های حاصل از مصاحبه‌هایی هدفمند و عمیق با نمونه‌ای از اساتید، دانشجویان و پژوهشگران علوم اجتماعی در ایران.

در گام نخست با استفاده از مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای تلاش شد ارزیابی‌ای کلی درباره وضعیت آموزش جامعه‌شناسی در ایران به دست آید، نتایج حاصل از این مرحله در بخش بعد و تحت عنوان مروری بر ادبیات موجود و با توجه به شاخص‌های معین شده برای سنجش خروجی ارائه شده است. در مرحله بعد با توجه به داده‌ها و دید کلی به دست آمده در مرحله نخست، تلاش شد با طراحی پرسش‌نامه و ارسال آن از طریق ایمیل انجمن جامعه‌شناسی ایران به اساتید، دانشجویان و پژوهشگران اجتماعی عضو این انجمن، ضمن گردآوری داده‌های بیشتر درباره شاخص‌های انتخابی، صحت برخی نظرات ابراز شده در ادبیات موجود بررسی شود. از مجموع پاسخ‌دهندگان پرسش‌نامه‌های ارسالی (۲۰۲ پرسش‌نامه پاسخ داده شده) ۱۱۳ نفر مرد و ۸۸ نفر زن به پرسش‌نامه پاسخ گفتند. حداقل سن پاسخ‌گویان ۲۲ سال و حداکثر سن آنان ۷۹ سال با میانگین سنی ۳۳ سال است. ۳۴/۷ درصد نمونه در فاصله سنی ۲۰ تا ۳۰ سال، ۳۸/۱ درصد ۳۱ تا ۴۰ سال، ۱۶/۸ درصد ۴۱ تا ۵۰ سال، ۷/۹ درصد بین ۵۱ تا ۶۰ سال و تنها ۴ نفر (۲،۵ درصد) بین ۶۱ تا ۸۰ سال قرار داشته‌اند.

از بین پاسخ‌گویانی که به پرسش طرح شده درباره رتبه علمی خود پاسخ گفته‌اند، ۱،۰ درصد (۲ نفر) مربی، ۹،۹ درصد (۲۰ نفر) استادیار و ۴،۰ درصد (۸ نفر) استاد بوده‌اند. پاسخ‌گویان دارای حداقل یک سال و حداکثر ۴۶ سال سابقه فعالیت آموزشی و پژوهشی بوده و در این زمینه میانگین کل نمونه برابر ۱۰ سال است. توزیع پاسخ‌گویان از نظر محل اخذ مدرک تحصیلی به این شرح است: دانشگاه‌های دولتی ۶۱،۴ درصد (۱۲۴ نفر)، دانشگاه آزاد اسلامی ۲۲،۶ درصد (۴۶ نفر)، دانشگاه‌های خارج از کشور ۸،۹ درصد (۱۸ نفر)، پیام نور ۵،۶ درصد (۱۲ نفر) و دو نفر نیز به این پرسش پاسخی نداده‌اند.

در گام سوم با توجه به مرور ادبیات صورت گرفته و با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند،

نمونه‌ای شامل ۴۰ نفر از اساتید جامعه‌شناسی با سنین مختلف به نحوی که نماینده نسل‌های مختلف اساتید باشند، دانشجویان ارشد و دکتری و پژوهشگران و جامعه‌شناسان فعال در عرصه عمومی انتخاب شدند که از این میان امکان مصاحبه با ۳۷ نفر از آنها فراهم شد. پس از انجام ۲۰ مصاحبه به نظر می‌رسید از نظر داده‌های مورد نیاز جهت شناسایی وضعیت خروجی آموزش جامعه‌شناسی در ایران با توجه به شاخص‌های انتخابی، اشباع پاسخ‌ها حاصل شده بود. این مقاله با توجه به این امر که به ارزیابی درونی نظام آموزش جامعه‌شناسی در ایران پرداخته، معیار نگرش اساتید و دانشجویان حاضر در گروه‌ها و دانشکده‌های آموزش جامعه‌شناسی در ایران نسبت به کیفیت خروجی این نظام آموزشی را معیاری برای قضاوت درباره مناسب یا نامناسب بودن کیفیت خروجی آموزش جامعه‌شناسی در ایران در نظر گرفته است.

مرور ادبیات

جامعه‌شناسان در طول سال‌های گذشته در تحقیقات و یا مصاحبه‌های خود به طرق گوناگون و با در نظر داشتن شاخص‌های مختلف به موضوع وضعیت جامعه‌شناسی در ایران، وضعیت کنشگران آن و وضعیت پایان‌نامه‌های دانشجویی پرداخته‌اند که این اظهارنظرها و بیانات به کسب شناختی عمیق‌تر از وضعیت جامعه‌شناسی کمک می‌کند.

محمود روح‌الامینی در یکی از اولین نقدها به تعداد بالای پذیرش دانشجو در رشته جامعه‌شناسی پس از انقلاب با مقایسه تعداد ورودهای این رشته در ایران و فرانسه در سال ۱۳۷۳ می‌نویسد: «رقم ورودیان رشته جامعه‌شناسی در مجموع دانشگاه‌های ایران در سال ۱۳۷۳ برابر تعداد ورودیان ۷۴ سال دانشگاه‌های فرانسه بوده است». (روح‌الامینی، ۱۳۷۳) به نقل از فاضلی، ۱۳۸۰: ۱۵). با توجه به این امر که در مقایسه با سال ۱۳۷۳ میزان پذیرش در رشته جامعه‌شناسی به میزان بسیار بیشتری افزایش یافته این مسأله امروز ابعاد عمیق‌تری پیدا کرده که در بررسی‌های مربوط به علل تاثیرگذار بر سطح کیفی خروجی‌های نظام آموزش جامعه‌شناسی می‌بایست در نظر گرفته شود.

فاضلی (۱۳۸۰: ۲۱) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود در اوایل دهه ۸۰ با بررسی ادبیات موجود درباره وضعیت جامعه‌شناسی محور اصلی همه ایراداتی را که به دانشجویان جامعه‌شناسی گرفته شده است، بی‌علاقگی و ضعف بنیه علمی آنان می‌داند. احمدنیا (۱۳۸۹) درباره وضعیت دانشجویان جامعه‌شناسی معتقد است که به‌واسطه تجربیات ناخوشایند دانشجویانی که وی با ایشان مصاحبه کرده، سرخوردگی‌های شش‌گانه‌ای (سرخوردگی از دوره/محتوای آموزشی، سرخوردگی از رفتار/منش استادان، سرخوردگی از محتوای درس استاد، سرخوردگی از شیوه تدریس استاد، سرخوردگی از روابط اساتید با یکدیگر، سرخوردگی از شرایط انجام کار پایان‌نامه‌ها) در آن‌ها پدید

آمده که برخی از آنان را از رشته خود ناامید نموده است. به هنگام بررسی علل اثر گذار بر خروجی نظام آموزش جامعه‌شناسی می‌بایست به این موضوع پرداخته شود که در حالی که متخصصین این رشته نسبت به تعداد زیاد دانشجویان (روح‌الامینی، ۱۳۷۳) و نامناسب بودن وضعیت آن‌ها از نظر شاخص‌هایی چون علاقه و توانایی علمی (فاضلی، ۱۳۸۰) و وجود سرخوردگی‌های چندگانه در آن‌ها (احمدنیا، ۱۳۸۹) در سالیان گذشته هشدار داده‌اند بنا بر چه استدلال و تحت چه مکانیزمی، همچنان بر تعداد دانشجویان پذیرفته شده در این رشته افزوده شده و حتی این افزایش پذیرش در سال‌های گذشته به مقاطع تحصیلات تکمیلی نیز رسیده است.

قانع‌راد (۱۳۸۵) در مقاله‌ای با عنوان «تعاملات دانشجویان، انگیزش و کنشگری رشته‌ای» بر اساس داده‌های به دست آمده دو نکته مهم را بیان می‌کند: ۱. گرچه دانشگاه‌ها در جهت تربیت سرمایه انسانی فعالیت می‌کنند، ولی قادر به تولید سرمایه انسانی در مفهوم جدید آن به معنای حاملان دانش‌ها و پیوندهای اجتماعی نیستند، ۲. هر چند که با افزایش تعاملات بین دانشجویان، میزان انرژی عاطفی و کنشگری دانشجویی افزایش پیدا می‌کند، ولی با افزایش سابقه دانشجویی میزان تعاملات دانشجویان و یک‌پارچگی اجتماعی و آموزشی آنان افزایش نمی‌یابد.

دیگر یافته تأمل‌برانگیز قانع‌راد (۱۳۸۷) این است که احتمال ذکر ارتباط با استاد راهنما به عنوان عامل انگیزش علمی در دانشجویانی که تولید علمی بالاتری داشته‌اند کمتر بوده، در حالی که این احتمال در بین اساتیدی که تولیدات علمی بالاتری داشته‌اند در مقایسه با سایر اساتید، بیشتر بوده است. قانع‌راد از این یافته به وجود انقطاع زنجیره‌های استاد و دانشجو در نظام آموزش جامعه‌شناسی ایران رسیده است (قانع‌راد، ۱۳۸۷: ۷۹). از سوی دیگر این نتیجه نیز قابل استنتاج است که اگر راهنمایی پایان‌نامه‌های دانشجویان تحصیلات تکمیلی نبود، با افزایش سن اساتید میزان تولید علمی آنان کاهش می‌یافت (قانع‌راد، ۱۳۸۷: ۸۰).

هم‌چنین یافته‌های پژوهش قانع‌راد و ابراهیم‌آبادی (۱۳۸۹) گویای آن است که افزایش مدت حضور دانشجویان در دانشگاه‌ها به جامعه‌پذیری بهتر آنان نمی‌انجامد و بنابراین با افزایش سابقه دانشجویی، میزان تعامل اجتماعی و آموزشی آنان با سایر دانشجویان افزایش پیدا نمی‌کند. دانشجویان با سابقه‌تر نه تنها احساس غرور بیشتری از تحصیل در گروه خود ندارند بلکه رضایت آنان از رشته تحصیلی‌شان کاهش یافته و میل خود به ادامه تحصیل را از دست می‌دهند. با افزایش سابقه دانشجویی، ارزیابی آنان از مناسبات با اساتید بهبود نیافته و همچنین احساس موفقیت و خوداثربخشی آنان بیشتر نمی‌شود (قانع‌راد و ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۲۲) و در مجموع می‌توان گفت که افزایش مدت حضور دانشجویان در دانشگاه‌ها انگیزش و انرژی عاطفی آن‌ها را به تدریج کاهش می‌دهد (قانع‌راد، ۱۳۸۹: ۳۱۷).

برخی از پژوهش‌های انجام شده به صورت مشخص به موضوع وضعیت پایان‌نامه‌های دانشجویان

رشته جامعه‌شناسی پرداخته‌اند.

در این زمینه قانع‌راد (۱۳۸۳) معتقد است که انتخاب پدیده‌ها، داده‌ها و روش‌ها در جامعه‌شناسی ایران یک فعالیت اتفاقی و تصادفی است. وی معتقد است اساتید و دانشجویان در موقعیت‌های مختلف برای توصیف و تفسیر پدیده‌های کمابیش یکسان، مفاهیم و نظریات متفاوتی را به کار می‌گیرند، او این شیوه را «فرصت‌طلبی نظری» می‌نامد. آزاد ارمکی نیز در اظهار نظری که نتایج تحقیق قانع‌راد را تأیید می‌کند در خصوص گزینش موضوعات در پایان‌نامه‌ها به دو نکته اشاره کرده است. اولاً وی معتقد است که «هیچ خط‌مشی و الگوی پایداری در روند انتخاب موضوعات مورد نظر نبوده است»، ثانیاً این‌که «دانشجویان در دوره فوق لیسانس به دنبال مسائلی که جنبه بنیادی دارند نمی‌روند» (آزاد ارمکی، ۱۳۷۸، به نقل از فاضلی ۱۳۸۰). فاضلی (۱۳۸۰) نیز در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود فرضیات زیر را در ارتباط با پایان‌نامه‌ها طرح، آزمون و تأیید کرده است:

۱. فرایند نگارش پایان‌نامه‌ها در جامعه‌شناسی ایران به گونه‌ای نیست که فرد به هویت حرفه‌ای دست پیدا کند.
۲. نگارش پایان‌نامه در جامعه‌شناسی ایران سبب شکل‌گیری برنامه پژوهشی نمی‌شود.
۳. پایان‌نامه‌نویسی در جامعه‌شناسی ایران سبب بازسازی اجتماع علمی در درون نویسنده نمی‌شود.
۴. نویسندگان پایان‌نامه‌ها به گونه‌ای فرایند جامعه‌پذیری علمی را طی نمی‌کنند که فشار هنجاری اجتماع علمی را درونی کنند.
۵. تعامل سطوح خرد (فرد و انگیزه‌های وی) و سطوح کلان (امکانات، اساتید، برنامه درسی و...) در جامعه‌شناسی ایران به نحوی نیست که سبب توانمندسازی ساختاری^۱ در جهت شکوفایی فرد شود.

شرط پذیرفته شدن پایان‌نامه فوق لیسانس و دکتری در جوامع صنعتی و غیرصنعتی از جمله ایران، حداقل یک نوآوری در موضوع و مطلبی خاص است که در غیر این صورت، آن پایان‌نامه پذیرفته نمی‌شود (حاضری، ۱۳۷۲: ۳۵ به نقل از فاضلی، ۱۳۸۰: ۳۸)؛ از سوی دیگر برخی پژوهش‌ها «نشان می‌دهد که کارهای ارائه شده در اعظم موارد عملاً چیزی بیشتر از توصیف ساده واقعیت نیست که یا در قالب تعدادی جداول آماری غیرمرتبط، یا بدون کمک این‌گونه جداول ارائه می‌شود» (پاشا، به نقل از فاضلی، ۱۳۸۰: ۳۹). با ترکیب این دو اظهار نظر می‌توان به این نکته رسید که با توجه به معیارهای مشخص شده شاید نتوان بخش وسیعی از پایان‌نامه‌های دفاع شده را واجد شرایط لازم برای دفاع دانست و از سوی دیگر همانطور که فاضلی (۱۳۸۰: ۴۷) نیز بیان نموده

1. Structural enabling

یکی از هنجارهای غیر رسمی در آکادمی جامعه‌شناسی ایران این است که اکثر دانشجویان حتی در صورت عدم رعایت حداقل استانداردهای لازم موفق به طی مسیر و اخذ مدرک می‌شوند. در ادامه با توجه به داده‌های حاصل از پیمایش و مصاحبه‌های صورت گرفته و با در نظر داشتن دو شاخص طرح شده تلاش می‌شود تصویری از وضعیت خروجی نظام آموزش جامعه‌شناسی در ایران از منظر کنشگران درون این نظام ارائه شود.

شاخص توانایی و انگیزه علمی دانشجویان

اگر مهم‌ترین هدف آموزش را کسب و انتقال دانش بدانیم، سطح مهارت‌ها و توانایی‌هایی که دانشجویان در دوران تحصیل با توجه به رشته تحصیلی خود کسب می‌کنند شاخصی مناسب برای قضاوت درباره نحوه عملکرد و کارآمدی نظام آموزشی است. تاکید بر شاخص‌های کمی - نظیر نمره یا معدل - برای قضاوت درباره مهارت‌ها و توانایی‌های دانشجویان بنا به دلایل گوناگون نظیر بر هم خوردن قواعد نمره‌دهی در یک نظام آموزشی و قابل مقایسه نبودن نمرات یکسان در دانشگاه‌های مختلف، در برخی موارد تصویری گمراه‌کننده از میزان توانایی‌های آنان و در نتیجه میزان کارآمدی نظام آموزشی ارائه می‌دهد. لذا بررسی بر مبنای نحوه قضاوت کنشگران فعال در درون مراکز آموزشی از توانمندی‌های خود و سایر افراد حاضر در این مراکز می‌تواند تصویری واقعی‌تر از کیفیت خروجی مراکز آموزشی ارائه دهد.

نتایج حاصل از داده‌های گردآوری شده از طریق پرسش‌نامه درخصوص شاخص توانایی و انگیزه دانشجویان در ادامه بیان شده است. در پرسش‌نامه طراحی شده، برای ارزیابی انگیزه‌های تحصیلی و توانایی دانشجویان جامعه‌شناسی سه گویه که در جدول شماره ۱ به آن‌ها اشاره شده است بررسی شده‌اند.

جدول شماره ۱. توزیع فراوانی انگیزه و توان علمی دانشجویان جامعه‌شناسی

میانگین	خیلی کم		کم		کم و بیش		زیاد		خیلی زیاد		نمی‌دانم	گویه
	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰		
۳	۱۶	۷,۹	۵۴	۲۶,۷	۶۸	۳۳,۷	۴۷	۲۳,۳	۷	۳,۵	۳	انگیزه دانشجویان در زمینه تحصیل و یادگیری
	۹	۴,۵	۴۸	۲۳,۸	۹۰	۴۴,۶	۴۱	۲۰,۳	۳	۱,۵	۴	توانایی علمی دانشجویان
	۱۵	۷,۴	۵۷	۲۸,۲	۸۶	۴۲,۶	۳۲	۱۵,۸	۲	۱,۰	۳	کیفیت دانشجویان جامعه‌شناسی از نظر یادگیری

همان‌طور که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، در مقولات ارزیابی انگیزه‌ها و توانمندی‌های دانشجویان جامعه‌شناسی، گزینه «کم و بیش» بیشترین درصدها از درصد کل را کسب نموده و میانگین کل شاخص انگیزه و توان علمی دانشجویان جامعه‌شناسی حاصل از سه گویه مدنظر، تقریباً برابر ۹ است.

جدول شماره ۲. میانگین شاخص انگیزه و توان علمی دانشجویان جامعه‌شناسی

متغیر	میانگین	واریانس	انحراف معیار
انگیزه و توان علمی دانشجویان جامعه‌شناسی	۹,۳۰	۱۴,۲۱	۳,۷۶

برای اثبات تک‌بعدی بودن شاخص مدنظر از تحلیل عاملی استفاده شده است. نتایج تحلیل عاملی مؤید تک‌بعدی بودن شاخص «انگیزه و توان علمی دانشجویان جامعه‌شناسی» است. آماره KMO در این تحلیل برابر ۰,۷۰۵ است. این عامل هم‌چنین ۷۲ درصد واریانس گویه‌ها را تبیین می‌کند. افراد حاضر در مصاحبه‌ها نیز هم‌راستا با ادبیات بررسی‌شده، ارزیابی مناسبی از میزان توانایی و انگیزه دانشجویان جامعه‌شناسی نداشته و وضعیت کنونی خروجی نظام آموزش جامعه‌شناسی را با توجه به این شاخص مثبت ارزیابی نکرده‌اند. استاد دانشگاه تربیت مدرس^۱ انگیزه دانشجویان را در زمینه انجام فعالیت‌های علمی بسیار پایین ارزیابی نموده، و یکی از اساتید دانشگاه علامه طباطبایی نیز با بیان این عبارت که «دانشجوها حوصله ندارند بخوانند» ارزیابی مناسبی از میزان توانایی علمی آن‌ها ندارد. یکی از اساتید دانشگاه مازندران درباره انگیزه دانشجویان برای یادگیری، نظر خود را این گونه بیان نموده است: «کلاس می‌رویم، تمرین می‌دهیم، اما دانشجوی بی‌انگیزه علاقه خاصی به انجام تمرین‌ها نشان نمی‌دهد. استاد از این بی‌انگیزگی مفرط رنج می‌برد، البته هم استاد و هم دانشجو». یکی از دانشجویان دکتری دانشگاه تهران که به صورت هم‌زمان به تدریس نیز اشتغال دارد در مواجهه با بی‌انگیزگی حاکم بر فضای کلاس درس این‌گونه اظهار نظر نموده است: «قبل از این که سر کلاس بروم اشتیاق درس داشتم اما وقتی که می‌روم می‌بینم از یک‌دهم اطلاعاتم هم نمی‌توانم استفاده بکنم، مثلاً این قدر باید پایین بیایم که آخر دورکیم را بگویم که دورکیم اول جامعه‌شناسی است، اما وقتی از موضوع همبستگی دورکیم هم می‌گویی همه تعجب می‌کنند. یک مشکل، سطح پایین دانشجویان و مشکل دیگر درس نخواندن آن‌هاست».

یکی دیگر از اساتید جامعه‌شناسی دانشگاه مازندران در مورد دغدغه‌های آموزشی در نتیجه

۱. با توجه به درخواست برخی از دانشجویان و اساتید حاضر در مصاحبه‌ها مبنی بر عدم ذکر نام آن‌ها، در متن مقاله از ذکر نام افراد خودداری شده است و بدون توجه به مرتبه علمی اساتید حاضر در مصاحبه‌ها همه آن‌ها با عنوان استاد ذکر شده‌اند.

کثرت دانشجویان بی‌انگیزه این‌گونه اظهار نظر نموده است: «متأسفانه اکثر دانشجویانی که سر کلاس‌های علوم اجتماعی می‌آیند یک نوع حس بی‌تفاوتی نسبت به این رشته دارند که کار کردن با آن‌ها بسیار سخت است». فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز که مدرس درس نظریه‌های جامعه‌شناسی نیز هست درباره تأثیر بی‌انگیزگی دانشجویان بر روند عملکرد آموزشی خود می‌گوید: «من سعی می‌کنم در کلاس نظریه روی کتاب پیدایش نظریه جامعه‌شناسی ترنر هم کار کنم ولی وقتی دانشجو در کتاب ترجمه شده بزرگان اندیشه جامعه‌شناسی کوزر می‌ماند و انگیزه ندارد و فقط می‌خواهد چیزی را که من در کلاس می‌گویم بنویسد و همان را بخواند و بیشتر از آن نخواند، تکلیف استاد چیست؟»

برخی از افراد حاضر در مصاحبه‌ها نیز انگیزه بخش اعظم دانشجویان جامعه‌شناسی را اخذ مدرک بواسطه رواج مدرک‌گرایی در جامعه دانسته‌اند، یکی از فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد پژوهشکده امام خمینی نظر خود را در این زمینه این‌گونه بیان نموده است: «دغدغه من دانشجو داشتن دو مقاله علمی- پژوهشی است که بتوانم از طریق آن‌ها امتیاز لازم را کسب کنم و بتوانم دانشجوی دکترا شوم و بعد بورسیه‌ای از دانشگاهی بگیرم و استادی شوم که قبلاً خودم در کلاسش معترض بودم. دایره‌ای وجود دارد که ما مدام به دور خودمان می‌چرخیم».

یکی دیگر از فارغ‌التحصیلان جامعه‌شناسی که دارای سوابق تدریس در دانشگاه‌های مختلف است در مورد انگیزه دانشجویان می‌گوید: «دانشجویان خیلی ضعیف هستند. انگیزه و میزان توجه‌شان به مسائل آموزشی‌شان خیلی پایین است چون فکر می‌کنند باید مدرکی بگیرند و بروند، تعداد خیلی کمی هستند که برایشان مهم است». یکی از فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران نیز با بی‌انگیزه خواندن بخشی قابل توجهی از دانشجویان علت این امر را در نظام ارزیابی دانسته و نظر خود را این‌گونه بیان نموده است: «نظام مبتنی بر شایسته‌سالاری نه در مورد اساتید و نه در مورد دانشجویان وجود ندارد. اساتید پاداش و تنبیهی در قبال نحوه آموزش دریافت نمی‌کنند. نظام نمره‌دهی نیز منجر به پاداش‌دهی متناسب با عملکرد دانشجو نمی‌شود. ضعف سیستم‌های پاداش‌دهی، شایسته‌سالاری، نظارت، و مجازات، باعث می‌شود که افراد بی‌انگیزه خروجی دانشگاه باشند».

یکی از دانشجویان دکتری دانشگاه تهران نیز معتقد است که دانشگاه در طول زمان کارکردش تغییر کرده و به عرصه عمومی مبدل شده؛ وی نظر خود را در این زمینه این‌گونه بیان نموده است: «امروزه دانشگاه به عرصه عمومی مبدل شده است، دانشجو به دانشگاه می‌آید که به پاتوق برود، دوستانش را ببیند و شخصیت دوستانه پیدا کند. نیامده که درس بخواند و این کارکرد دانشگاه شده است».

جامعه‌شناسی، علمی با منشأ بیرونی در جامعه ایران است و عمده اطلاعات و داده‌های موجود در این زمینه به زبان انگلیسی است. موانع پیشین در بهره‌مندی از منابع علمی به‌روز با رشد و گسترش شبکه جهانی اینترنت کاهش یافته و در مدت زمانی کوتاه امکان دسترسی به حجم وسیعی از

کتاب‌ها، مقالات و پایگاه‌های داده فراهم شده است. اما بهره‌مندی از این فرصت جهت افزایش کیفیت نظام آموزش جامعه‌شناسی در ایران نیازمند تقویت دو مهارت در دانشجویان است: نخست برخورداری از توانایی‌های زبانی و دیگری بهره‌مندی از توانایی‌های استفاده از کامپیوتر و جست‌وجو در پایگاه‌های اطلاعاتی جهانی. اما با توجه به نتایج حاصل از مصاحبه‌های انجام شده، بخش وسیعی از دانشجویان جامعه‌شناسی ایران، به‌ویژه در مقطع کارشناسی، وضعیت مناسبی در برخورداری از این توانایی‌ها ندارند. طبیعی است که ضعف مهارت‌های زبانی در بین دانشجویان این رشته، بویژه در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری می‌تواند ضمن ایجاد تأخیر در آشنایی با مباحث روز جامعه‌شناسی منجر به کاهش قابل ملاحظه کیفیت خروجی‌های آموزش جامعه‌شناسی در ایران شود. اکثر افراد شرکت‌کننده در مصاحبه‌ها ضعف مهارت‌های زبانی در دانشجویان و حتی در بعضی موارد اساتید این رشته را یکی از چالش‌های پیش‌روی نظام آموزش جامعه‌شناسی در ایران در جهت افزایش کیفیت خروجی‌های خود دانسته‌اند که در ادامه به برخی از این اظهار نظرها اشاره می‌شود.^۱

یکی از فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه الزهرا در این باره نظر خود را این‌گونه بیان نموده است: «دانشگاه تدبیری درخصوص آموزش زبان و تعداد واحدها نکرده است و همین باعث شده تا نتوانیم دانش خودمان را ارتقاء دهیم». دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تهران نیز در مورد مشکل زبان دانشجویان تحصیلات تکمیلی معتقد است: «می‌رسید به مقطع دکتری جامعه‌شناسی و زبان بلد نیستید. ساختار آموزشی و اساتید ما به ما یاد ندادند. مگر من تا ده سال زیر نظر شما نبودم، چرا زبان به من یاد نداده‌اید». یکی از فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد دانشگاه الزهراء با تأیید این نظر معتقد است که ضعف دانشجویان در برخورداری از مهارت‌هایی چون جست‌وجو در اینترنت و مهارت‌های زبانی مانعی است که استفاده آنان از سایت‌های اینترنتی و کتاب‌های زبان اصلی را با مشکل مواجه می‌نماید. یکی از اساتید دانشگاه مازندران نیز نظر خود را درباره ضعف دانشجویان در زمینه برخورداری از مهارت‌های زبانی این‌گونه بیان نموده است: «دانشجویان، دانش انگلیسی‌شان بسیار پایین است و این امر در مورد اساتید هم دیده می‌شود. واقعاً تسلط دانشجویان و حتی استادان به منابع جدید بسیار پایین است و این باعث می‌شود تا شاهد افت روزافزون خود در مقایسه با دانش جهانی باشیم. مثلاً استاد نمی‌تواند از منابع انگلیسی یا عربی استفاده نماید و به‌روز هم نیست. نمی‌تواند بفهمد در دنیای امروز در حوزه‌ای که دارد کار می‌کند چه اتفاقاتی در حال وقوع است».

نکته قابل تأمل در مصاحبه‌های انجام شده آن است که هیچ یک از اساتید و دانشجویان

^۱. نویسندگان مقاله بر این باورند که سواى توانایی خواندن به زبان انگلیسی، توانایی خواندن و ساعات مطالعه در دانشجویان بسیار اندک است. دانشجویان نه فقط منابع انگلیسی، بلکه منابع فارسی را نیز در حد کفایت نمی‌خوانند.

جامعه‌شناسی شرکت‌کننده در مصاحبه‌ها در کل ارزیابی مثبتی از وضعیت دانشجویان در زمینه برخورداری از توانایی‌های زبانی نداشتند. اگرچه صرف تسلط بر مهارت‌های زبانی به معنای توانایی در فهم و تبیین جهان اجتماعی و عدم تسلط بر آن لزوماً به معنای عدم توانایی در فهم و تبیین جهان اجتماعی نیست اما در هر حال تسلط بر این مهارت می‌تواند به میزان زیادی در افزایش کیفیت نظام آموزش جامعه‌شناسی در ایران مؤثر باشد.

در خلال مصاحبه‌های انجام شده، افراد شرکت‌کننده در مصاحبه‌ها به ضعف‌های دیگری از قبیل عدم تعلق دانشجویان به یک سنت علمی خاص، و عدم آشنایی آنان با مباحث مهم و مطرح در جامعه ایران اشاره کرده‌اند که به برخی از این اظهار نظرها در ادامه اشاره می‌شود. یکی از اساتید پیشین دانشگاه با تأکید بر ضعف دانشجویان در زمینه تعلق به یک سنت علمی خاص معتقد است: «اگر در فرایند آموزش تعاملی بین استاد و دانشجو اتفاق بیفتد و این فرایند کنش متقابل در محیط‌های آکادمیک باعث شکل‌گیری سنت شود و دانشجو از دل این سنت تربیت شود، هویت دانشگاهی شکل می‌گیرد. این ضعفی است که اکنون در فضای روابط استاد و شاگردی حاکم هست. من استادم و واحد درسی را باید پر کنم و دانشجو درس پاس کند. در این تعاملات هیچ سنت علمی خاصی تعریف و نمایان نمی‌شود».

برخی اساتید و دانشجویان حاضر در مصاحبه‌ها با تأکید بر ضعف دانشجویان جامعه‌شناسی در ایران از نظر آشنایی با تاریخ و مسائل گذشته و امروز جامعه ایرانی علت این امر را کمبود منابع موجود در این زمینه می‌دانند. اما به نظر می‌رسد با توجه به نتایج حاصل از مصاحبه‌ها علل این امر را باید در فقدان رقابت در گروه‌های آموزشی و بحران انگیزه موجود در فضای جامعه‌شناسی آکادمیک ایران جست‌وجو کرد؛ زیرا علیرغم کمبود منابع از همین منابع اندک نیز چندان استفاده نمی‌شود. یکی از اساتید دانشگاه نظر خود را در این زمینه این‌گونه بیان نموده است: «منابع، در دوره‌ای خیلی ترجمه شد، اما تولید داخلی خیلی کم است. مثلاً شما نگاه کنید ما آقای آصف بیات را داریم، کتابی دارد در مورد سیاست‌های خیابانی، من خواندم، واقعاً به شغف آمدم، در مورد ایران بود کار جامعه‌شناسی انجام داده بود، در این حوزه کتاب نداریم ما فقر منابع ایرانی داریم».

یکی از دانشجویان کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی هم از زاویه‌ای دیگر به کمبودهای موجود در زمینه منابع مبتنی بر تجربه ایران نگریسته و نظر خود را این‌گونه بیان نموده است: «به نظر من مسئله اصلی در دروس جامعه‌شناسی، نبود داده‌های علمی در مورد خود جامعه ایران است که نتیجه همان ضعفی است که در نظام آموزشی وجود دارد. کسانی که فارغ التحصیل می‌شوند توانایی تحلیل جامعه را کسب نمی‌کنند». برخی مصاحبه‌شوندگان معتقدند پرداختن به جامعه ایرانی و مسائل آن پیش از هر چیز نیازمند وجود فضای باز آکادمیکی است که در آن سطح تحمل، برای نقد جامعه، سیاست‌های جاری در آن و علل پدید آورنده این مسائل به میزان قابل قبولی رسیده باشد

که به نظر می‌رسد در دانشگاه‌های کنونی در ایران به دلیل نوع طراحی آن‌ها این فضا چندان فراهم نبوده است، طبیعی است که در چنین فضایی جرات و جسارت لازم برای پرداختن به چنین مسائلی در فضای آکادمیک به میزان زیادی کاهش می‌یابد.^۱ پیدایش این فضا تحت تأثیر عواملی در برون نظام آموزش جامعه‌شناسی در ایران است؛ اما از آنجا که ما در این مقاله صرفاً به ارزیابی درونی نظام آموزش جامعه‌شناسی فارغ از علل پدیدآورنده این شرایط می‌پردازیم بحث‌های بیشتر در این زمینه را به فرصت‌هایی دیگر موکول می‌نماییم.

کیفیت پایان‌نامه‌های دانشجویی

پایان‌نامه‌های دانشجویی یکی از مراحل پیوند خوردن آموزش و پژوهش در دانشگاه است. شاید بتوان کیفیت پایان‌نامه‌ها را یکی از بارزترین شاخص‌های کیفیت سطح علمی، توانایی و انگیزه دانشجویان دانست. دانشجو معمولاً بخش اعظمی از آموخته‌ها و توانایی‌های خود را در پایان‌نامه‌اش به نمایش می‌گذارد. پایان‌نامه‌های بی‌کیفیت در درجه نخست نشان‌دهنده ناتوانی نظام آموزشی در افزایش سطح توانایی‌های دانشجویان، در درجه دوم نشان‌دهنده ناتوانی آن در ایجاد انگیزه لازم در دانشجویان برای تولید پایان‌نامه‌هایی مناسب و در درجه سوم نشان‌دهنده وجود نواقصی جدی در مکانیزم ارزیابی پایان‌نامه‌هاست، زیرا در یک فرایند ارزیابی سالم، پایان‌نامه‌ای که دارای حداقل سطح لازم به عنوان یک رساله در مقاطع ارشد و دکتری نیست تا زمان ایجاد اصلاحات لازم در آن پذیرفته نخواهد شد. به همین دلایل است که سطح کیفی پایان‌نامه‌ها به میزان زیادی نشان‌دهنده سطح کیفی خروجی نظام آموزشی به صورت عام و نظام آموزش جامعه‌شناسی به صورت خاص است. در ادامه در گام نخست با توجه به مطالعات اسنادی انجام شده، گزارشی کمی از وضعیت پایان‌نامه‌های دفاع شده در رشته جامعه‌شناسی در فاصله سال‌های ۱۳۵۴ تا ۱۳۹۰ ارائه شده و در گام بعد با اتکا به داده‌های گردآوری شده از طریق پرسش‌نامه و مصاحبه‌های انجام شده توصیفی کلی درباره وضعیت پایان‌نامه‌های دانشجویی در رشته جامعه‌شناسی ارائه می‌گردد.

اطلاعات موجود در پایگاه پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران^۲ نشان می‌دهد تا سال ۱۳۹۰ در مجموع ۱۷۷۰ پایان‌نامه در رشته جامعه‌شناسی دفاع و پذیرفته شده است که این تعداد شامل پایان‌نامه‌های دفاع شده در دانشگاه‌های دولتی، آزاد اسلامی و پیام نور است. بررسی پایان‌نامه‌های

۱. نویسندگان بر این باورند که اگرچه فقدان فضای باز تبیین‌کننده بخشی از واقعیت عدم طرح مسائل جامعه ایرانی در بسیاری از کلاس‌های درس و نپرداختن به مسائل مهم جامعه ایران است، اما از این واقعیت به عنوان بهانه‌ای برای طرح مسائل غیرجدی نیز استفاده می‌شود. این واقعیت، بهانه خوبی برای فرار از کار جدی روی مسائل جامعه ایرانی و طرح آن‌ها فراهم می‌سازد.

تحصیلات تکمیلی بر اساس مواردی چون موضوع، سال انتشار، جنسیت نویسنده و ترکیب دانشگاه‌ها صورت پذیرفته است. در جدول شماره ۳ اطلاعاتی درباره پایان‌نامه‌ها از نظر سال و جنسیت ارائه شده است.

جدول شماره ۳. فراوانی پایان‌نامه‌های جامعه‌شناسی

درصد از کل	زن		مرد		سال
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۴,۵۷	۳۲,۰۹	۲۶	۶۷,۹۰	۵۵	۱۳۵۴ و قبل آن
۳,۵	۳۷,۹	۲۳	۶۲,۹۰	۳۹	۱۳۵۵-۱۳۵۸
۱	۳۱,۵۷	۶	۶۸,۴۲	۱۳	۱۳۵۹-۱۳۶۲
۱,۱	۳۰	۶	۷۰	۱۴	۱۳۶۳-۱۳۶۶
۲,۸	۱۸,۳۶	۹	۸۱,۶۳	۴۰	۱۳۶۷-۱۳۷۰
۵,۸	۲۲,۳۳	۲۳	۷۷,۶۶	۸۰	۱۳۷۱-۱۳۷۴
۷	۲۶,۴	۳۳	۷۳,۶	۹۲	۱۳۷۵-۱۳۷۸
۱۵	۳۷	۹۸	۶۳	۱۶۷	۱۳۷۹-۱۳۸۲
۱۸	۴۰	۱۲۷	۶۰	۲۹۱	۱۳۸۳-۱۳۸۶
۴۰	۴۵,۴۶	۳۲۱	۵۴,۵۳	۳۸۵	۱۳۸۷-۱۳۹۰
۱,۱	۳۰	۸	۷۰	۱۳	بی‌تا
	۳۸,۴۰	۶۸۰	۶۱,۶۰	۱۰۹۰	فراوانی کل
۱۰۰		۱۷۷۰			جمع

(ماخذ: پایگاه پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران)

همان‌طور که در داده‌های جدول ۳ نیز مشخص است می‌توان اثر برخی تغییرات اجتماعی از قبیل انقلاب، انقلاب فرهنگی، جنگ و سایر عوامل را در تعداد و حتی نسبت جنسیتی پایان‌نامه‌ها مشاهده کرد. نکته قابل تأمل دیگر در داده‌های جدول ۳ بازگشت روند برابری جنسیتی در رشته جامعه‌شناسی از سال ۱۳۷۱ به بعد است که در فاصله سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۷۱ با توجه به تغییرات سیاسی - اجتماعی رخ داده در کشور متوقف شده بود.

داده‌ها نشان می‌دهد از کل پایان‌نامه‌های دفاع شده از پیش از سال ۱۳۵۴ تا ۱۳۹۰، ۷۵,۱۲ درصد متعلق به ۱۸ دانشگاه دولتی، ۱۸,۹۲ درصد متعلق به دانشگاه آزاد، ۴,۱۸ درصد متعلق به دانشگاه پیام نور و ۱,۶۹ درصد متعلق به سایر دانشگاه‌ها است. دانشگاه تهران از بین دانشگاه‌های دولتی با ۳۱۲ مورد و ۱۷,۶۲ درصد بیشترین میزان پایان‌نامه‌های دفاع شده را به خود اختصاص داده است. همان‌طور که از این داده‌ها نیز مشخص است تعداد دانشجویان و پایان‌نامه‌ها در تمامی

سال‌های گذشته از نظر کمی رشد قابل ملاحظه‌ای داشته است اما فراسنخواره به دقت نشان داده است که کیفیت نظام دانشگاهی در ایران (ر.ک به فراسنخواره، ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸) با رشد مطلوب همراه نبوده است، که در بررسی علل اثرگذار بر خروجی نظام آموزش جامعه‌شناسی در ایران باید مورد توجه قرار گیرد.

جدول شماره ۴. وضعیت پایان‌نامه‌های جامعه‌شناسی در مقاطع ارشد و دکتری

میانگین از ۵	نمی‌دانم		کاملاً موافقم		موافقم		نظری ندارم		مخالفم		کاملاً مخالفم		گویه
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۲,۷۸	۵,۹	۱۲	۱,۰	۲	۱۲,۴	۲۵	۱۱,۹	۲۴	۴۸	۹۷	۱۶,۳	۳۳	اکثریت پایان‌نامه‌ها دارای کیفیت و استاندارد قابل قبولی هستند
۳,۰۴	۵,۰	۱۰	۲,۵	۵	۱۹,۸	۴۰	۱۴,۹	۳۰	۴۱,۱	۸۳	۱۱,۹	۲۴	نقش مؤثر بر آموزش توانمندی علمی
۲,۵۲	۱,۵	۳	۱,۰	۲	۱۲,۹	۲۶	۱۳,۴	۲۷	۴۰,۱	۸۱	۲۶,۷	۵۴	وقت کافی و دیالوگ علمی بین استاد راهنما و دانشجو
۳,۳۷	۱,۵	۳	۱,۵	۳	۷,۹	۱۶	۱۰,۴	۲۱	۳۹,۶	۸۰	۳۴,۲	۶۹	وقت کافی و دیالوگ علمی بین استاد مشاور و دانشجو
۲,۸۴	۴,۵	۹	۲,۰	۴	۱۵,۸	۳۲	۱۶,۳	۳۳	۳۸,۶	۷۸	۱۸,۳	۳۷	جدیدیت علمی داوران پایان‌نامه
۲,۶۲	۲,۵	۵	۳,۰	۶	۱۰,۴	۲۱	۱۲,۹	۲۶	۴۵,۵	۹۲	۲۱,۳	۴۳	انگیزه یادگیری و اخلاق علمی در نوشتن پایان‌نامه در دانشجو
۲,۶۳	۴,۰	۸	۰,۵	۱	۶,۹	۱۴	۱۶,۸	۳۴	۴۳,۶	۸۸	۲۲,۸	۴۶	رعایت استاندارد علمی در نمره
۲,۷۵	۳,۵	۷	۲,۰	۴	۱۳,۴	۲۷	۱۴,۹	۳۰	۴۰,۶	۸۲	۲۰,۸	۴۲	کارکرد پایان‌نامه در هویت‌بخشی

هشت گویه پرسش‌نامه‌های ارسالی برای کنشگران جامعه‌شناسی ایران به بررسی وضعیت پایان‌نامه‌های دانشجویی از دید اساتید و دانشجویان اختصاص داده شده بود. این گویه‌ها و نتایج حاصل از آن‌ها در جدول شماره ۴ ارائه شده است. نکته قابل تأمل در پاسخ‌های ارائه شده آن است که بر خلاف داده‌های حاصل از پرسش‌نامه درباره توانایی و انگیزه دانشجویان که پاسخ‌گویان ارزیابی متوسطی از دانشجویان با توجه به این شاخص‌ها داشتند، اکثریت قابل توجهی از پاسخ‌گویان ارزیابی مثبتی از وضعیت پایان‌نامه‌ها ندارند. همان‌طور که در جدول نیز قابل مشاهده است، ۶۴٫۳ درصد از پاسخ‌گویان با این گویه که «پایان‌نامه‌ها دارای کیفیت و استاندارد قابل قبولی هستند» کاملاً مخالف یا مخالف بوده‌اند.

برای نشان دادن تک‌بعدی بودن شاخص مدنظر از تحلیل عاملی استفاده شده است. نتایج تحلیل عاملی مؤید تک‌بعدی بودن شاخص «کیفیت پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری» است. آماره KMO برای این شاخص ۰٫۹۴۲ است و عامل مذکور ۷۷٫۷ درصد واریانس گویه‌ها را تبیین می‌کند. نتیجه آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه برای مقایسه میانگین نمره گروه‌ها به پایان‌نامه‌های دانشجویی حاکی از تأیید فرض تفاوت میانگین گروه‌ها است.

ANOVA

	Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
Between Groups	4919.518	5	983.904	6.654	.000
Within Groups	28979.715	196	147.856		
Total	33899.233	201			

نتایج حاصل از مصاحبه‌های انجام‌شده نیز در راستای ادبیات موجود در این زمینه (ر.ک بخش مرور ادبیات همین مقاله) و نتایج حاصل از گویه‌های پرسش‌نامه قرار دارد. سؤالات مختلفی در مصاحبه به وضعیت پایان‌نامه‌های دانشجویی در ابعاد مختلف اختصاص داده شد که با توجه به کمبود فضا در فرصتی دیگر به نتایج حاصل از آن‌ها پرداخته می‌شود. اما در بخشی از مصاحبه از مصاحبه‌شوندگان خواسته شد که با نظر داشتن کلیه موارد، نظر خود را درباره کیفیت کلی پایان‌نامه‌های دانشجویی بیان کنند که در ادامه به برخی از این پاسخ‌ها اشاره می‌شود.

یکی از اساتید دانشگاه با بیان این‌که پایان‌نامه‌های ما هیچ ارزش فکری نداشته و تولید فکر نمی‌کنند، نظر خود درباره کیفیت کلی پایان‌نامه‌ها را این‌گونه بیان نموده است: «پایان‌نامه‌ها در مجموع کمتر دارای نوآوری بوده، کمی‌زده و برای رفع تکلیف است، و اگر کاربردی فکر کنیم دردی از جامعه را درمان نمی‌کند. عمدتاً پایان‌نامه‌ها، موضوعاتی تکراری‌اند که، تولید فکر نکرده و هیچ

اندیشه نویی از آن‌ها بیرون نمی‌آید»^۱.

یکی از جامعه‌شناسان فعال در نشریات عمومی نیز در مورد پایان‌نامه‌ها نظر خود را با ذکر یک مثال این گونه توضیح داده است: «چند هفته قبل به تناسب موضوع مورد بحث نشریه، پیگیر کارهایی در حیطة پرونده زنان بودم، به واسطه معرفی چند نفر به سراغ پایان‌نامه‌ای در این موضوع رفتم. پایان‌نامه را نگاه کردم، دیدم که چیزی نبود. ما که از موضوع اطلاع نداشتیم و تنها می‌خواستیم اطلاعی از سوژه کسب کنیم احساس کردیم بیشتر از کسی می‌دانیم که پایان‌نامه نوشته بود ... این پایان‌نامه بی‌خاصیت‌تر از پایان‌نامه خودم بود، اما (به عنوان پایان‌نامه‌ای خوب) من را به آن ارجاع داده بودند. نمی‌توان تعمیم داد اما چنین مواردی هم کم نیست». وی با بیان مطلب زیر که برخاسته از تجربه کاری او نیز هست و نتایج حاصل از مصاحبه‌ها نیز آن را تأیید می‌نماید معتقد است اساتید نیز می‌دانند که پایان‌نامه‌ها از نظر کیفی و کاربردی در وضعیت چندان مناسبی قرار ندارند: «خیلی وقت‌ها شده که خودم از اساتید جامعه‌شناسی خواستم در مورد موضوعات خاصی به من کمک کنند، می‌گویند اگرچه پایان‌نامه‌هایی در زمینه این موضوع وجود دارد، اما شما اگر این کتاب‌ها را بخوانید یا با چند نفر صحبت کنید بهتر از این است که در کتابخانه صبح تا شب بنشینید و پایان‌نامه‌ها را بخوانید. این یعنی احتمالاً می‌دانند پایان‌نامه‌ها چندان نمی‌توانند کمک‌کننده باشند».

یکی از اساتید دانشگاه در تهران در همین راستا بخشی از تولیدات معیوب در حوزه پایان‌نامه‌ها را برآمده از تفکر بازاری و مدرک‌گرایی موجود در جامعه ایران می‌داند. وی در این زمینه به «صنعت پایان‌نامه‌نویسی» اشاره نموده و بخشی از دلیل این امر را مشغله‌های غیرعلمی دانشجویان می‌داند: «بخش زیادی از دانشجویان دکتری که وارد این فضا می‌شوند اساساً متعلق به ادارات هستند، شاغل‌اند و تنها کاری که نمی‌توانند انجام بدهند دانشجوی دکتری بودن است و امروز به همان تعداد که در اطرافمان معتاد می‌بینیم و می‌گوییم مسئله‌ای به نام اعتیاد وجود دارد، آدم‌هایی را می‌بینیم که پایان‌نامه‌شان را دیگران برایشان می‌نویسند». یکی از اساتید سابق دانشگاه و فعال در عرصه عمومی، پایان‌نامه دانشجویان را آخرین حلقه از چرخه معیوب خرده‌نظام آموزش جامعه‌شناسی در ایران دانسته و نظر خود را در این زمینه این‌گونه بیان نموده است: «تکرار مکررات است، مبتنی بر همان فرایند ضعف آموزش، ضعف پژوهش، ضعف دانشجویست».

کنار هم قرار دادن داده‌های حاصل از ادبیات موجود درباره وضعیت پایان‌نامه‌های جامعه‌شناسی

۱. نویسندگان بر این باورند که پایان‌نامه کارشناسی ارشد الزاماً برای خلق ایده نو یا استفاده کاربردی مشخصی نیست. پایان‌نامه کارشناسی ارشد بیشتر کارکردی در راستای جامعه‌پذیری علمی و تبدیل کردن فرد به بخشی از اجتماع علمی دارد. در ضمن باید شیوه یادگیری پژوهش و کسب شخصیت پژوهشی را در فرد تسهیل کند.

در ایران (رک بخش مرور ادبیات همین مقاله)، داده‌های گردآوری شده از طریق پرسش‌نامه و مصاحبه‌های انجام شده نشان می‌دهد که کیفیت کلی پایان‌نامه‌های تولیدشده در نظام آموزش جامعه‌شناسی از منظر کنشگران درون این نظام رضایت‌بخش نیست. از سوی دیگر به دلیل صوری شدن جلسات دفاع (نگاه کنید به تحلیل مراسم دفاعیه در: فاضلی، ۱۳۸۰)، و دقیق نبودن فرایند نمره‌دهی اساتید بنا به دلایل گوناگون که در فرصتی دیگر به آن پرداخته خواهد شد، صرف دفاع از پایان‌نامه و حتی اخذ نمره‌ای بالا در شرایط کنونی نمی‌تواند لزوماً بیانگر کیفیت مناسب پایان‌نامه باشد.

مطالب نقل شده در این قسمت، تا حدود زیادی با مطالبی که در بخش پیشین درباره انگیزه‌ها و توانایی‌های دانشجویان ارائه شد همخوانی دارد. به عبارتی نمی‌توان از دانشجویانی که از نظر سطح توانایی، انگیزه و انرژی احساسی از منظر کنشگران درون این نظام آموزشی در وضعیت چندان مناسبی قرار ندارند انتظار داشت پایان‌نامه‌ها و رساله‌هایی با کیفیت مناسب بنویسند. اگرچه این موضوع که پایان‌نامه باکیفیت چیست و باید دارای چه مشخصاتی باشد موضوعی مهم و قابل تأمل است، اما ما در این قسمت معیار سطح کیفی پایان‌نامه‌ها را به دانش عمومی پاسخ‌گویان و افراد حاضر در مصاحبه‌ها واگذار کردیم تا با توجه به هر آنچه که در ذهن خود از پایان‌نامه باکیفیت دارند درباره کیفیت کلی پایان‌نامه‌های موجود قضاوت نمایند؛ که نتایج حاصل وضعیت چندان مناسبی را در این زمینه نشان نمی‌دهد.

البته تمامی مطالب و انتقادات طرح شده در این مقاله که همه آن‌ها از سوی اساتید و دانشجویان حاضر در گروه‌های آموزش جامعه‌شناسی دانشگاه‌های مختلف کشور بیان شده است، به معنای نادیده گرفتن توانایی‌ها و خدمات و موفقیت‌های برخی از اساتید و دانشجویان جامعه‌شناسی نیست. اساتید و دانشجویان فعال و توانا در درون نظام آموزش جامعه‌شناسی در ایران، کم نیستند، اما همان گونه که برخی مصاحبه‌شوندگان تأکید می‌کنند موفقیت‌های آن‌ها بیش از آن که ناشی از کارآمدی نظام آموزش جامعه‌شناسی در ایران و قواعد هنجاری حاکم بر آن باشد حاصل تلاش‌ها، کوشش‌ها و توانایی‌های فردی خود آنان است.

نتیجه‌گیری

محمد فاضلی در مقاله‌ای با عنوان «مردگی، ممد حیات آکادمی: آسیب‌شناسی کم‌جانی علوم اجتماعی در آکادمی ایران» (فاضلی، ۱۳۹۴: ۸۹) در تعریف کم‌جانی، ۹ خصیصه به شرح زیر برای آکادمی علوم اجتماعی در ایران ارائه کرده است:

۱. کلاس‌های درس برای دانشجویان برانگیزاننده و مملو از هیجان و شور آموختن نیستند.
۲. مباحث کلاس‌ها معطوف به مسائل واقعی جامعه ایران نیستند یا به اندازه کافی از حد آن‌چه درک متعارف شهروندان قادر به شناخت آن است فراتر نمی‌روند.

۳. چگالی کنش علمی فعالانه در اجتماع علمی اساتید بسیار رقیق و گاه توأم با بی‌تفاوتی محض استادان نسبت به یکدیگر است.

۴. مشارکت اجتماعی اکثریت قاطعی از اساتید در فضای اجتماعی، رسانه‌ای و کنشگری اندیشمندانه، بسیار اندک یا هیچ است.

۵. مسائل جامعه، اقتصاد، سیاست و روابط بین‌الملل ایران عوض شده‌اند ولی کلاس‌ها و حرف‌ها در سطح آکادمی - و نه الزاماً فضای روشنفکری یا کتاب‌هایی که منتشر می‌شود - تغییری نکرده و انگیزه‌ها برای پرداختن به آن‌ها کاسته شده است. انبوهی از مخاطبان نه ایده نویی می‌یابند و نه شوری در استادان می‌بینند.

۶. آکادمی و مستأجرانش بسیار بوروکرات شده‌اند. ارتقا مرتبه هدف است و ملزومات آن انتشار مقالات و کتبی است که گاه نبودشان برای کاستن از مصرف کاغذ و در نتیجه کاهش قطع درختان و مقابله با تغییرات آب و هوایی مفیدتر است.

۷. کثیری از کنشگران جامعه‌شناسی نه سودای تبیین نظم دارند و نه انگاره‌ای از تغییر؛ نه دل مشغول نظریه‌اند نه نگران روند تحولات اجتماعی؛ به افت کیفی آموزش جامعه‌شناسی همان قدر فکر نمی‌کنند که به اندازه گرم شدن کره زمین و اثر آن بر خرس‌های قطبی نمی‌اندیشند.

۸. ارتباط کنشگران اجتماع علمی با کتاب‌های کلاسیک و متأخر به یک اندازه قطع است. اقتصاد و جامعه ماکس وبر، نظریه نظام-جهان والرستاین، و پیشرفت‌های روش‌شناختی در پژوهش تطبیقی به یک اندازه خوانده نمی‌شوند.

۹. دل مشغولی اصلی نگارش پایان‌نامه‌هایی است که دانشجویانش صاحب علائق علمی نیستند بلکه از بد حادثه به این‌جا پناه آمده‌اند. استادان‌شان نیز بیش از محتوای پایان‌نامه‌ها و این‌که در دنیای نظر و عمل چه سهمی خلق می‌کنند، به همان انتشار مقاله مشترک و داستان ارتقا می‌اندیشند. پایان‌نامه‌هایی که ۱۴ سال قبل جلسه دفاعیه کثیری از آن‌ها را به صحنه‌ای از داستان پادشاه لخت هانس کریستین آندرسن تشبیه کردم. دانشجویی که تحت فشار زمان، کم‌کاری، صوری بودن روال‌های علمی، بی‌توجهی استاد راهنما و عوامل دیگر، خود می‌داند که پایان‌نامه‌اش هیچ اندوخته‌ای برایش فراهم نمی‌کند و چیزی بر هویتش نمی‌افزاید. استاد راهنما و مشاور هم می‌دانند، داوران هم می‌دانند. اما در توافقی بین همه کنشگران، مراسم با دقت و جزئیات برگزار می‌شود، تمجیدها، نقدهای اغلب بی‌اثر، شیرینی و گل رد و بدل می‌شوند و یک کنشگر دیگر، مرده زاده می‌شود، بی‌هویت و بدون برنامه پژوهشی. فقط کودک جسوری نیست که فریاد بکشد این پادشاه لخت است.

بررسی انجام‌شده در این مقاله بر مبنای مرور ادبیات، تحلیل پرسش‌نامه و مصاحبه با کنشگران جامعه‌شناسی بخش مهمی از ادعای فاضلی درباره کم‌جانی آکادمی علوم اجتماعی را مستند

می‌سازد. این مقاله نشان می‌دهد وضعیت فعلی خروجی‌های رشته جامعه‌شناسی - که البته سطح کیفی همه آن‌ها یک اندازه نیست اما به‌طور کلی وضعیت نامناسبی دارند - ممد همان کم‌جانی آکادمی است. این بررسی با در نظر داشتن معیارهایی چون سطح توانایی و انگیزه دانشجویان جامعه‌شناسی و کیفیت پایان‌نامه‌های آن‌ها و از منظر کنشگران درون این نظام (استاد و دانشجویان) تصویری از وضعیت خروجی آموزش جامعه‌شناسی در ایران به منزله خرده‌نظامی از نظام آموزش عالی ارائه می‌کند و نتایج حاصل بیانگر آن است که از منظر کنشگران درون این نظام (استاد و دانشجویان) خروجی‌های آن با توجه به دو شاخص طرح شده از وضعیت چندان مناسبی برخوردار نیستند. بدیهی است که چنین خروجی‌هایی به نسل بعدی کنشگران بدل شده و در چرخه‌ای «خودتقویت‌شونده» وضعیت نامساعدتری را ایجاد می‌کنند. این خروجی‌ها، نسل بعدی استادان جامعه‌شناسی و هم‌چنین تعریف‌کننده سطح کلی انتظار و تعریف جامعه و نخبگان از جامعه‌شناسی ایران است.

این موضوع هنگامی اهمیت بیشتری می‌یابد که بدانیم بر اساس برخی اظهارنظرهای رسمی (سلیمی، ۱۳۸۹) هزینه تربیت و آموزش یک دانشجو برای دولت از مقطع کارشناسی تا پایان مقطع دکتری رقمی بیش از ۵۰ میلیون تومان است که در صورت ناکارآمدی نظام آموزش جامعه‌شناسی، که با توجه به نتایج حاصل امری محتمل می‌باشد، بخش عمده‌ای از این هزینه بدون آن‌که در قالب سرمایه‌های انسانی توانا به جامعه بازگردد تلف خواهد شد. اگرچه می‌توان معیارهای دیگری برای سنجش خروجی این نظام و روش‌های متفاوتی برای کسب آگاهی نسبت به وضعیت آن انتخاب نمود اما به نظر می‌رسد معیارهای انتخاب شده و روش به کار گرفته شده در این مقاله لاقلاً برای کسب آگاهی‌ای کلی درباره وضعیت خروجی این نظام آموزشی کفایت نماید. تاکید اساسی این مقاله بر ضرورت توجه به ارزیابی خروجی‌های خرده‌نظام‌های آموزشی در کشور می‌باشد که بخش قابل توجهی از بودجه کشور به آن‌ها اختصاص داده شده و در صورت ناکارآمدی از بین رفته و در قالب منابع انسانی کارآمد به کشور باز نخواهد گشت این موضوع با توجه به روند رو به گسترش پذیرش دانشجو که از اوایل دهه ۷۰ و در مقاطع کاردانی و کارشناسی آغاز و در اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ به مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری رسیده است از ضرورتی دو چندان برخوردار می‌گردد.

نامناسب بودن وضعیت خروجی نظام آموزش دانشگاهی جامعه‌شناسی در ایران از منظر کنشگران درون آن، که البته احتمالاً منحصر به این خرده‌نظام آموزشی نبوده و سایر خرده‌نظام‌های آموزشی دیگر نیز کم و بیش از شرایطی نسبتاً مشابه برخوردارند، لزوم پرداختن به علل اثرگذار بر پاسخ نه چندان مناسب این نظام را جهت جلوگیری از اتلاف منابع ملی ضروری می‌نماید. بدیهی است که پیدایش خروجی نه چندان مناسب کنونی حاصل مجموعه‌ای از عوامل درون و برون نظامی است که در فرصتی دیگر به آن پرداخته خواهد شد.

منابع

- احمدنیا، شیرین (۱۳۸۹)، «آنچه خود داشت»، *مهرنامه*، شماره ۵: <http://www.mehrnameh.ir/article/955>
- سلیمی، علیرضا (۱۳۸۹)، هزینه تحصیل هر دانشجو در ایران چقدر است، خبرگزاری مهر <http://www.mehrnews.com>
- فاضلی، محمد (۱۳۸۰)، «بررسی پایان‌نامه‌های جامعه‌شناسی انقلاب از دیدگاه جامعه‌شناسی علم»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تربیت مدرس.
- فاضلی، محمد (۱۳۹۴)، «مردگی، ممد حیات آکادمی: آسیب‌شناسی کم‌جانی علوم اجتماعی در آکادمی ایران»، *اندیشه پویا*، سال چهارم، شماره ۲۹، صص. ۸۹-۹۱.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۸۷)، *سرگذشت و سوانح دانشگاه در ایران*، تهران: رسا.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۸۸)، *دانشگاه ایرانی و مسئله کیفیت*، تهران: آگاه.
- قانع‌راد، محمد امین (۱۳۸۳)، «گفتگوهای پیش‌الگویی در جامعه‌شناسی ایران»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره پنجم، شماره ۱: صص ۵-۳۹.
- قانع‌راد، محمد امین (۱۳۸۵)، «تعاملات دانشجویان، انگیزش و کنشگری رشته‌ای»، *پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، شماره ۴۰: صص ۱-۲۲.
- قانع‌راد، محمد امین؛ طلوع، ابوالقاسم؛ خسروخاور، فرهاد (۱۳۸۷)، «عوامل، انگیزش‌ها و چالش‌های تولید دانش در بین نخبگان علمی»، *فصل‌نامه علمی - پژوهشی سیاست علم و فناوری*، سال اول، شماره دوم: صص ۷۱-۸۶.
- قانع‌راد، محمد امین (۱۳۸۹)، *تعاملات و ارتباطات در اجتماع علمی*، ۳۰۳-۳۲۴، در مجموعه مقالات همایش مسائل علوم اجتماعی در ایران، تهران: جهاد دانشگاهی.
- قانع‌راد، محمد امین. ابراهیم‌آبادی، حسین (۱۳۸۹)، «تاثیر ساختار اجتماعی آموزش بر عملکرد دانشجویان»، *فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران*، سال دوم، شماره ۴: صص ۱-۲۸.
- موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی (۱۳۹۰)، *آمار فارغ‌التحصیلان و اعضای هیات علمی مراکز آموزش عالی*.
- پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران. Irandoc.ir

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی